

نظریه مقاومت طب سنتی؛ سخنی با مخالفان

مدتی است بازار مخالفت با طب سنتی رونق گرفته و بسیاری از منتقدان بدون اطلاع و آگاهی از طب سنتی ایرانی به نقدهای غیر علمی و گاه غیر اخلاقی و طعن گونه می‌پردازند. شاید توجه به فلسفه طب و تبیین پارادایم‌های آن پاسخ به چالش را روشن سازد. پارادایم طب مدرن در برابر باکتری‌ها و ویروس‌ها، عبارت از تولید داروهای دفاعی از جمله داروهای آنتی‌باکتریال و آنتی‌ویرال برای نابودی آنها است یعنی رویکرد تهاجم را در پیش گرفتند و لکن ویروس‌ها و باکتری‌ها هوشمندانه جهش یافته و در برابر داروهای آنتی‌باکتریال و آنتی‌ویرال مقاومت نشان می‌دادند و خطرناک‌تر وارد صحنه مبارزه با انسان می‌شدند. پاستور، پارادایم دیگری در برابر این آسیب‌ها پیش گرفت و آن پارادایم مقاوم‌سازی بدن از طریق واکسن و ورود باکتری و ویروس ضعیف به بدن بود. این رویکرد به دنبال مرگ و نابودی ویروس نبود و لکن ویروس جدید، زحمت دیگری در تولید واکسن جدید برای بشر فراهم می‌ساخت. پارادایم طب سنتی بدون جنگ با ویروس و باکتری، مقاوم‌سازی بدن از هرگونه آسیب است؛ با توصیه‌های سبک زندگی و چگونگی خوردن و آشامیدن و تجویز داروهای گیاهی تقویت و کمک‌کننده طبیعت مدبره بدن که هم توان و مقاومت بدن را مقابل هرگونه آسیب میکروبی بالا می‌برد و هم عفونت‌ها را زایل می‌سازد. این سه پارادایم مبتنی بر مبانی هستی‌شناختی و طبیعت‌شناختی و معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی است. (ر.ک به: فلسفه علوم انسانی) و روش‌شناسی علوم اجتماعی

این مبانی در طب سنتی اجازه نابودی مخلوقات الهی را نمی‌دهد و همزیستی مسالمت‌آمیز بین همه موجودات زنده را با نظریه مقاومت فراهم می‌سازد و از جنگ و ستیز با طبیعت و حتی شرور طبیعی پرهیز می‌کند. این رویکرد، نوعی تسخیر طبیعت است که باعث کنار آمدن موجودات طبیعی با بدن انسان می‌شود. نقش دعا هم در کنترل امور طبیعی و تقویت روحیه انسان در برابر بیماری در چارچوب این مبانی معنا پیدا می‌کند. طب سنتی در برابر آسیب‌ها نه تساهل را می‌پسندد و نه تهاجم را؛ بلکه مقاوم‌سازی کلان را از طریق کمک به طبیعت مدبره بدن می‌کند.

غلبه طبیعت‌گرایی و تجربه‌گرایی در طب مدرن، باعث شده نه تنها تصرف بلکه به تعبیر هایدگر، تعرض و تهاجم بر طبیعت بالا رود. و طبیعت هم جنگ جهانی علیه بشریت راه بیندازد. نظریه مقاومت در طب سنتی از مبانی عقلانی و اسلامی به‌دست آمده است و جا دارد در باب آن گفتگوی بیشتری صورت گیرد. مخالفان طب سنتی به جهت ناآگاهی از فلسفه طب و حتی فلسفه طب مدرن، خود و جامعه را از بهره طب سنتی محروم می‌سازند. یک حوزوی معممی گمان می‌کند مدرن یعنی جدید و سنت یعنی قدیم و لذا استفاده از طب سنتی را بازگشت به عصر بوق می‌خواند؛ درحالی‌که نه مدرن به معنای جدید است و نه سنتی به معنای قدیم است. معنای مدرن و سنت را باید در مبانی پیش گفته یافت (ر.ک به: کلام نوین اسلامی و تاریخ فلسفه کاپلستون) و به همین جهت بین علم به معنی ساینس و حکمت تفاوت هست. (ر.ک به: فلسفه فلسفه اسلامی) سیاستمداری از مسئولان نظام پزشکی با تمسخر و بدون دانستن ظرفیت‌های طب سنتی، آن را تجویز علفی می‌نامد و اما چشم بر قراردادهای جنایت‌بار مافیای دارو و درمان و پول‌های زیرمیزی می‌بندد. مدیر دیگری هم بی‌باکانه از تجویز پیوند مدفوع انسان دم می‌زند و در ادامه‌ی سیاست دولت منحوس پهلوی اول و با همکاری افراد مدعی علم و فقیر در فلسفه علم به ستیز حداکثری با طب سنتی می‌پردازد و نسبت به قرارداد کلان و ورود داروهای غیر مصوب جهانی به کشور جهت تست بر مردم مظلوم ایران ساکت می‌ماند و مشارکت می‌کند و ننگ بهداشتی بر پیشانی بهداشت ایران می‌زند.

و اما همین مدیر اجازه تحقیق و هزینه کرد نسبت به داروهای طب سنتی را نمی‌دهد و بعد با ترفند فرار به جلو و با ادبیات متبخرانه و ظاهراً بعد از عزل، استعفا می‌دهد.

این وقایع اخیر نشان از فقدان حکمرانی طب و طبابت در کشور دارد که باید مجمع تشخیص مصلحت نظام آن را جدی بگیرد. ناگفته نماند بشر باید از تجربه بشری بهره ببرد و مجموعه دستاوردهای مثبت طب مدرن و سنتی ایرانی و غیر ایرانی را برای پیشگیری و درمان بکار گیرد.

میدان کرسی‌های نظریه‌پردازی و نقد و مناظره برای گفتگوی علمی و آزاد باز است و هیأت حمایت از کرسی‌ها آمادگی دارد جلسات گفتگو بر پا کند تا حقیقت برای طالبان معرفت روشن گردد. خداوندا منجی بشریت را برسان که به‌شدت منتظر و محتاجیم.

عبدالحسین خسروپناه

اول آذر ۱۳۹۹